

بررسی دور و تسلسل { ابطال دور و تسلسل }

کلام در دو مقام:

مقام اول درباره دور:

سه مطلب در مقام اول:

۱. **تعریف دور:** توقف یک شیء بر شیء دیگری که آن شیء دیگر بر اولی توقف دارد.

۲. **تقسیم دور:** دور یا مصرح است یا مضمّر.

دور مصرح: بین شیء اول و دوم واسطه ای نباشد. دور بلاواسطه.

دور مضمّر: بین شیء اول و دوم واسطه ای وجود داشته باشد.

۳. **استحاله دور:** علامه: استحاله دور نزدیک به بداهت است. یعنی نظری است، اما نزدیک به بدیهی است. زیرا این

استحاله دور ولو نظری است، اما با یک حد وسط بدیهی تبیین می شود. یعنی نیاز به مقدمات کثیره ای ندارد. اگر کلاً احتیاجی به

حد وسط نداشت بدیهی بود، اگر حد وسط های متعددی داشت می شد بعید من البدیهی. اما این نظری قریب به بدیهیات است.

زیرا در دور توقف شیء است بر شیء دیگری که آن متوقف بر شیء اول است. این توقف مستلزم تقدم شیء علی نفسه می شود. یک

شیء علت برای خودش باشد، که این مستلزم تناقض است (در رتبه ای که نیست، هست! این می شود تناقض). توقف شیء علی

نفسه، مستلزم تقدم شیء علی نفسه، که استحاله اش بدیهی است.

مقام دوم: مبحث تسلسل:

۴ مطلب:

۱. **تعریف تسلسل:** زنجیره ای از علت ها و معلول های نامتناهی.

۲. **شرایط تسلسل:** سه شرط دارد تسلسل:

الف) اجزاء سلسله همه بالفعل باشند نه بالقوه. (این شرط برای خارج کردن تسلسل لایقفی است. همان تسلسل در سلسله

(اعداد.)

ب) اجزاء سلسله اجتماع در وجود داشته باشند. به گونه ای که این حلقات در آن واحد همه موجود باشند. (برای اخراج

زمان و حوادث زمانی این شرط دوم آمده است. زمان قدیم زمانی است و حوادث زمانی هم قدیم زمانی هستند. این عدم تناهی

مستلزم تسلسل نمی شوند، زیرا همه با هم موجود نیستند.)

ج) حلقهات سلسله بینشان ترتب علی و معلولی باشد. فرض کنید موجوداتی را که بینشان رابطه علی و معلولی نباشد در این

صورت تسلسل محال محسوب نمی شود و در واقع به آن سلسله گفته نمی شود.

۳. **استحالة تسلسل:** در نهایه علامه سه برهان را اقامه فرموده اند.

برهان اول: از طریق وجود رابط:^۱

سه مقدمه:

الف) تسلسل در علت و معلول جاری می شود.

ب) معلول نسبت به علت وجود رابطه می باشد.

ج) وجود رابط بدون وجود مستقل تحقق پیدا نخواهد کرد.

نتیجه: اگر ما یک سلسله ای داشته باشیم که به علت نخستین منتهی نشود، لازمه چنین سلسله ای این می شود که وجود

رابطه تحقق پیدا کرده باشد بدون وجود مستقل. و محال است تحقق وجود رابط در خارج بدون وجود مستقل.

استاد زمانی: در تکمله فرمایش علامه: وجود رابط نه تنها بدون وجود مستقل قابل تحقق نیست، بلکه قابل تصور هم نیست. یعنی وجود رابط تصورا هم متوقف بر وجود مستقل است. مثلا: تا خورشید تصور نشود شعاع خورشید قابل تصور نیست. پس در باب تسلسل اصلا سلسله تصور نمی شود.

برهان دوم: برهان طرف و وسط:^۲

سه مقدمه:

الف) هرگاه ما سلسله ای از علت ها و معلول ها را در نظر بگیریم، این سلسله سه حکم پیدا می کند:

۱. حکم مربوط به حلقه اولی: حلقه اولی معلول فقط و لیس بعلت ۲. حکم دوم مربوط به حلقه اخیر است که علت است

فقط و لیس بمعلول ۳. حلقه دوم (وسطی) هم علت است و هم معلول. (حال این سه هرچقدر بیشتر شود و افزایش پیدا کند باز هم

به این کیفیت است.) پس در این حلقهات سه حکم جاری می شود.

^۱ این برهان از ابداعات علامه طباطبایی است.

^۲ این برهان را شیخ الرئیس برای اولین بار در کتاب شفا بیان فرمودند و صدرا در اسفار فرموده اند بهترین برهان تسلسل همین است و علامه نیز این برهان را می پذیرند.

ب) این حلقه ای که علت و معلول است حالت وسط را پیدا می کند، اون دو تای دیگر که یکی فقط علت و دیگری فقط معلول است دو طرف دیگر هستند. وسطیت دو خاصیت دارد علت و معلول است.

ج) به حکم عقل هیچ وقت وسط بدون دو طرف نمی شود. عنوان وسط یعنی باید دو طرف باشد. اگر دو طرف فرض نشود خلاف حکم عقل است. به عبارت اخری وسط و طرف متضایفین هستند.

نتیجه: اگر ما زنجیره ای نامتناهی فرض کنیم غیر از اون معلول اخیر تمام حلقات دیگر هم علت است و هم معلول و هر جا دو عنوان صدق کند وسط است، و چون وسط بدون دو طرف نمی شود، زنجیره باید علتی داشته باشد. و اگر علتی نباشد لازم می آید وسطی بدون طرف.

برهان سوم: برهان اسد اخضر^۳ دو مقدمه دارد:

الف) این سلسله با توجه به اینکه از معلول ها تشکیل شده همه حکم یک معلول را پیدا می کند. یعنی این نامتناهی را بردار و یک معلول جای آن بگذار

ب) معلول بلا علت موجود نمی شود. پس تمام این سلسله حکم معلول بلا واحد را دارد. پس باید علتی باشد.

تاهی و عدم تناهی در بحث ما نقشی ندارد، تمام این سلسله معلول هستند، و معلول بدون علت نداریم. معلول واحد بخواهد خودش موجود شود نمی شود. معلول نامتناهی نیز همینطور است.

استاد زمانی: برهان چهارمی اقامه می کنند: از طریق تشکیک: سه مقدمه:

الف) اصاله با وجود است

ب) وجود دارای تشکیک است

ج) تشکیک دو طرف محدود دارد.

بحث هایی که آقایان کرده اند بر روی اصالة الماهیه است. تشکیک از این طرف می شود وجود لا یتناهی شدت و قوتا و از طرف دیگر لا یتناهی قوه و ضعف. و بر مبنای اصالة الوجود و تشکیک دو طرف بسته است و اصلا گرفتار تسلسل نمی شویم. فلذا عوالم وجود همان ۴ عالم و محدود می شود. از طرف تنازل و تصاعد هم همین طور است. منتهی آقایان می آمدند روی افراد، در اینصورت که ما بیابیم روی افراد علت و معلول می رود در بحث زمان و افراد زمانی که با هم جمع نمی شوند اما وقتی بنا بر اصاله الوجود و تشکیک حرف بزنیم اصلا تسلسل فرض ندارد. زیرا دو طرف بسته است. اصاله الوجود حتی اجازه تصور نامتناهی به ما نمی دهد. لذا این سلسله تصاعدا و تنازلاً بسته می شود.

۴. تنبیهات بحث تسلسل:

^۳ فارابی اقامه فرموده اند. اسد از باب همان سد به معنای استحکام و قوت است، گویا این برهان استحکام دارد. اخضر هم هست زیرا مقدمات این برهان کوتاه است.

علامه سه تنبیه بیان می فرمایند که در واقع دو مطلب است: یکی همان شرایط تسلسل است که عرض شد و بحث دوم محدوده تسلسل است. در تنبیه اول مقداری و در تنبیه سوم مقدار دیگری از این محدوده بیان می شود.

تنبیه اول:

آیا تسلسل تصاعدی محال است یا اعم از تصاعدی و تنازلی؟ توضیح:

سلسله علت و معلول را دو جور می شود تصور کرد: لاتناهی در تصاعد (علت بعد علتی و هکذا) و لا یتناهی

تنازلی (معلول بعد معلول و هکذا) سه نظر در اینجا وجود دارد:

مشهور: استحاله مطلقا محال است

نظر محقق داماد (میرداماد) استاد صدرا در حکمت: تسلسل تصاعدی محال است نه تنازلی. زیرا یکی از شرایط تسلسل

اجتماع در وجود است. در تسلسل تصاعدی این شرط حاصل می شود زیرا همیشه در آن مرتبه ای که معلول هست تمام علت ها

باید حضور داشته باشند، پس در مرتبه معلول اجتماع بالفعل می شود، همان بحث معیت علی و معلولی، علت تقدم رتبی بر معلول

دارد. اما اگر تسلسل تنازلی باشد اینجا اجتماع در وجود حاصل نمی شود زیرا معلول در رتبه علت که حضور ندارد، علت به واسطه

احاطه اش در مرتبه معلول است. اما معالیل پشت سر هم در مرتبه علت خود هیچکدام حضور ندارند زیرا علت محیط به معلول

است و محیط در محاط است اما محاط در مرتبه محیط نیست. اما علت ها همیشه با معلولشان جمع می شوند. پس اجتماع در

وجود در اینجا حاصل نمی شود.

علامه: این حرف صحیح نیست زیرا آنچه شرط تسلسل بود اجتماع وجود خارجی بالفعل بود نه بودن در یک مرتبه. اجتماع

وجود بالفعل محال بود، اما اینکه بخواهیم اجتماع اینها را در مرتبه واحده ببینیم، جزء شرایط استحاله تسلسل نبود. بلکه شرط این

بود که حلقهات سلسله وجود بالفعل داشته باشند، اما اینکه این وجود بالفعل در مرتبه واحده باشند شرط نبود.

نظر علامه طباطبایی: تفصیل بین علت تامه و ناقصه:

اگر علت تامه باشد، تصاعدا و تنازلا تسلسل محال است. یعنی علت تامه بخواهد بی نهایت معلول داشته باشد یا معلولی

بی نهایت علت تامه داشته باشد، اما اگر این سلسله از علت های ناقصه تشکیل شده باشد تصاعدا محال است ولی تنازلا محال

نیست. دلیل ایشان:

ملاک استحاله تسلسل توقف وجودی است، هر جا توقف وجودی نمی تواند نامتناهی باشد، در علت تامه مشخص

نهاية الحكمة - مرحله ۸- فصل ۵ { في استحالة الدور و التسلسل } تاريخ: ۱۰ ذوالحجة / ۱۱ شهر يور ۱۳۹۶ / مقرر: حميدرضا صادقي / استاد: آية الله زمني است که توقف وجودی است. پس چه تصاعدا و چه تنازلا محال است اما در علت ناقصه در حالت تصاعدي توقف وجودی است يعنی معلولی متوقف بر علتی می شود ، خوب معلول متوقف است بر علت ناقصه خودش، اما در تنازل توقف وجودی نیست ، زیرا ممکن است علت ناقصه باشد اما معلولش نباشد. يعنی در واقع توقف وجودی حاصل نمیشود. لذا در سير تنازلی توقف وجودی حاصل نمی شود، يعنی اینگونه نیست که علت بیاید و معلول هم حتما بیاید؛ اما در تصاعدي چرا، اگر معلول باشد علت ناقصه هم حتما موجود باشد. پس محور تسلسل همان توقف وجودی است. و این توقف وجودی در علت تامه طرفینی است اما در علت ناقصه این توقف طرفینی نیست. اینگونه نیست که اگر علت ناقصه وجود داشته باشد معلول هم حتما باید وجود داشته باشد.

تنبیه دوم:

تسلسل سه شرط دارد: ۱. تمام اجزاء سلسله بالفعل باشد ۲. مجتمعة فی الوجود باشد ۳. باید بینشان رابطه ترتبی و توقف وجودی باشد.

اگر هر یک از این سه شرط منتفی بشود ما تسلسل نداریم، سلسله نامتناهی نداریم. يعنی اصلا موضوع منتفی می شود.

اگر بعضی بالقوه و بعضی بالفعل باشد ما نامتناهی نداریم، اگر مجتمعه فی الوجود نباشند مانند زمان، آنچه در خارج داریم متناهی است، اما اگر حلقاتی داشته باشیم که رابطه علی و معلولی بینشان نباشد، ما اصلا سلسله نداریم! توقف وجودی نباشد اصلا سلسله نداریم.

تنبیه سوم:

تعین محدوده تسلسل در علل اربع: آیا تسلسل مختص به علت فاعلی است یا اعم از علت فاعلی قابلی صوری و غایی است؟ علامه می فرماید: تسلسل در همه اینها هست. زیرا معیار تسلسل توقف وجودی بود و معلول بر همه اینها توقف دارد. پس در تمام علل اربع تسلسل پیاده می شود.

ایا تسلسل در اجزاء ماهیت هم قابل تصور است؟ (يعنی جنس و فصل، می شود ماهیتی جنس و فصل نامتناهی داشته باشد؟ همان علل قوام) علامه می فرماید اینجا هم محال است به دو برهان:

برهان اول: اجزاء ماهیت همان جنس و فصل است. قبالا در مباحث ماهیت گفتیم که جنس و فصل همان ماده و صورت است منتهی به نحو لا بشرط، و گفتیم در علل مادی و صوری تسلسل محال است.

برهان دوم: از طریق استحاله تعقل: لازمه ماهیت این است که قابل تعقل باشد و اگر اجزاء ماهیت نامتناهی باشند ذهن

نهاية المحكمة - مرحله ۸- فصل ۵ { فى استحالة الدور و التسلسل } تاريخ: ۱۰ ذوالحجة / ۱۱ شهبور ۱۳۹۶ / مقرر: حميدرضا صادق / استاد: آية الله زمانى

نمى تواند نامتناهى را تعقل كند و لازمهاش اين مى شود كه ماهيت، ماهيت نباشد.